معنای فقر «لکل حبة آکل» در کلام مرحوم قاضی سعید قمی

شاگرد۳: نسبت به قوت، ابن فارس می‌گوید:

> **«أَصْلٌ صَحِيحٌ يَدُلُّ عَلَى إِمْسَاكٍ وَحَفْظٍ وَقُدْرَةٍ عَلَى الشَّيْءِ، مِنْ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: {وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقِيتًا} [النساء: 85] ، أَيْ حَافِظًا لَهُ شَاهِدًا عَلَيْهِ، وَقَادِرًا عَلَى مَا أَرَادَ..وَمِنَ الْبَابِ: الْقُوتُ مَا يُمْسِكُ الرَّمَقَ؛ وَإِنَّمَا سُمِّيَ قُوتًا لِأَنَّهُ مِسَاكُ الْبَدَنِ وَقُوَّتُهُ»[1].**

در روایت می‌فرمایید: هر چیزی رمقی دارد و رمق موت، انسان است. با این بیان ابن فارس جمع می‌شود؟ در روایت انسان رمق موت است، یعنی به موت قوت می‌دهد.

استاد: الآن که شما فرمودید، به یاد عبارات مرحوم قاضی سعید افتادم. ایشان همین را توضیح می‌دهند. در اینکه چه چیزی ذو رمق است [بحث کرده‌اند]. ایشان وارد شده‌اند. آنچه که رمق دارد و نیاز به غذا دارد...؛ ببینید چقدر لطیف فرموده‌اند: «و لكل حبة آكل»[2]. اگر می‌خواهید ذوقیات این بزرگوار را ببینید، ذیل فقر «ولكل ذي رمق قوت ، ولكل حبة آكل ، وأنتم قوت الموت» می‌فرمایند: «لکل حبة آکل» بین این دو تعبیر به چه معنا است؟ ایشان می‌گویند: این حبة، به‌معنای شما است؛ «وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا»[3] شما یک حبه‌ای هستید که «لکل حبة آکل». یعنی نفس شما، به عنوان حبی که از زمین روییده است، آکلی دارد. آکل آن چه کسی است؟؛ کل دستگاه خلقت شما را از عوالم بالا می‌برد، شما قوت آن دستگاه بالاتر هستید.

خودتان مراجعه کنید و بیانات ایشان را بخوانید و لذت ببرید.

شاگرد: ما که بخوانیم، نمی‌فهمیم!

استاد: چرا؟!؛ باز هم مطالعه فرمودید و توضیحی دارید، بفرمایید. مباحثه ما همین است. هر کجا، نسبت به مطالب هفته قبل، توضیح و فرمایشی داشته باشید، دوباره بر می‌گردیم.

شاگرد: در مورد حقایق مرگ هم، قبلاً صحبت کردید. آیه «فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ»[4] اشاره به مرگ است؟؛ اگر هست، لطفا این را توضیح بدهید.

استاد: در سوره مبارکه «ق» است. به نظرم این را در شدیم. علی ای حال، موجود است. چندین بیان که موجود بود را، گفتیم. «أَفَعَيِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ».

این اندازه سهم بنده بود، به عنوان مطرح کردن این مباحث. مرحوم فیض در وافی، در جلد بیست و ششم، صفحه سی و مرحوم مجلسی در مرآة العقول، جلد بیست و پنج، صفحه پنجاه و پنج، بیانات خیلی خوبی دارند.

بنده عرض کردم که چون این بخش حدیث را مرحوم صدوق آوردهاند، مطالبی است که اگر بخواهیم روی هر جملهای از آن مکث کنیم، کل سال میماند و مباشرتا مربوط به کتاب نیست، بنا را بر این گذاشتیم. میخواستیم زودتر در شویم و به حدیث بیست و هشتم برویم. لذا مطالبی که امروز در ذهنم هست را سریع میگویم؛ راجع به موت و شروح علماء، هر چه میخواهید در جلسه بعد بفرمایید، در خدمت شما هستم. آنچه که امروز میخواهم، بگویم و زمینه مطالعه برای بعدتان باشد مطالبی هست که در ادامه میآید.

---

[1]. ابن فارس، معجم مقاييس اللغة، ج ۵، ص ۳۸.

[2]. شيخ صدوق، التوّحيد، ج۱، ص ۷۴.

[3]. نوح، آیه ۱۷.

[4]. ق، آیه ۱۵.

بازبینی #2
ایجاد شده 11 نوامبر 2024 14:38:20 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 نوامبر 2024 14:52:51 توسط ... .